

## ترسیم سیمای ارتباط دانشگاه و دانش‌آموختگان در دانشگاه آزاد اسلامی

توران اسفندیاری<sup>۱\*</sup> و حمیدرضا آراسته<sup>۲</sup>

### چکیده

برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان به منظور بهره‌گیری از تواناییهای بالقوه و حمایت‌های وفادارانه آنها همواره مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نظامهای آموزش عالی بوده است. دانشگاه آزاد اسلامی نیز با تأسیس کانونهای دانش‌آموختگان در این خصوص گامهایی برداشته است. در این پژوهش وضعیت موجود ارتباط دانشگاه و دانش‌آموختگان در دانشگاه آزاد اسلامی به شیوه کیفی مطالعه شده است. جامعه آماری تحقیق ۸۶۵ نفر از دانشجویان دکترای تخصصی واحد علوم و تحقیقات تهران بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی و بر مبنای روش اشباع داده‌ها ۶۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته بود و اطلاعات به دست آمده از راه مصاحبه با روش تحلیل محتوا تلخیص، کدگذاری و دسته‌بندی شد. نتایج تحقیق نشان داد که دانشگاه آزاد اسلامی در خصوص برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان وضعیت مناسبی ندارد و برقراری ارتباط و تمایل به مشارکت اغلب به صورت یکطرفه و از جانب دانش‌آموختگان بوده است. نقاط ضعف دانشگاه در برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان در سه بعد محیطی، زمینه‌ای و کنشگران انسانی دسته‌بندی شده‌اند.

**کلید واژگان:** دانش‌آموختگان، دانشجویان دکتری، ارتباط با دانش‌آموختگان، دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی.

### مقدمه

دانش‌آموختگان از سرمایه‌های انسانی، فکری و اجتماعی جامعه به‌شمار می‌آیند که نیاز جامعه را در ابعاد مختلف برآورده می‌کنند. مطالعه تجربه دانشگاه‌های کشورهای دیگر نشان می‌دهد که دفاتر ارتباط با دانش‌آموختگان یا انجمنهای دانش‌آموختگان در سه حوزه تدارک برنامه‌های دانش‌آموختگان، ارائه خدمات و مزایا و استفاده از مشارکت آنها در اداره امور دانشگاه اقدامات گسترده‌ای انجام می‌دهند.

۱. دانشجوی دکترای مدیریت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

\* مسئول مکاتبات: [T\\_es1356@yahoo.com](mailto:T_es1356@yahoo.com)

۲. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: [arasteh@khu.ac.ir](mailto:arasteh@khu.ac.ir)

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۲۱

برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان برای دستیابی به اهدافی چون غنی‌تر کردن تجربه دوران دانشجویی، تسهیل ورود به بازار کار، بررسی وضعیت دانش‌آموخته در بازار کار، مشخص شدن شکاف تقاضای بازار کار و مهارت‌های کسب شده و تشخیص دقیق نیازهای یادگیری مداوم دانش‌آموختگان شکل می‌گیرد. در واقع، مطالعه در این خصوص به شکل‌گیری تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلیدی و تدارک اطلاعات در خصوص برنامه‌های آموزشی دانشگاه و حتی تدریس صحیح آن منجر می‌شود (Mora & Vidal, 2005, p. 77). مسئولیت برقراری ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان در دانشگاه آزاد اسلامی نیز بر عهده کانون دانش‌آموختگان است. ارزیابی میزان تحقق اهداف و فعالیت‌های کانون‌های دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی موضوع این تحقیق نیست. علی‌رغم اینکه ارتباط با دانش‌آموختگان به فراهم‌سازی اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلیدی دانشگاه، حمایت همه‌جانبه از آن و مشارکت در اداره دانشگاه منجر می‌شود، شواهد نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی بعد از دانش‌آموختگی با دانشگاه محل تحصیل خود ارتباط چندانی ندارند و اداره دانش‌آموختگان دانشگاهها نیز فقط در زمینه صدور مدرک و گواهی دانش‌آموختگی فعالیت می‌کنند و کانون‌های دانش‌آموختگان واحدها و مراکز دانشگاهی نیز به دلیل برخوردار نبودن اعضای کانون از تجربه فعالیت‌های مشارکتی و تشکیلاتی، اختلال در کارکرد با گذشت زمان و تأثیرپذیری از تغییر و تحولات جامعه، اغلب در حالت رکود و غیرفعال به سر می‌برند و در دستیابی به اهداف خود به‌ویژه در زمینه کاربردی و هدایت شغلی دانش‌آموختگان موفق نبوده‌اند (Scientific Information Database of Tarbiat Modarres University, 2003).

در بعد پژوهشی نیز مطالعه در حوزه رشد دانش‌آموختگان و ارتباط با دانش‌آموختگان، چه در خارج از کشور و چه در داخل کشور، همچنان بدون پژوهش و بدون نظریه‌پردازی باقی مانده است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده داخلی در حوزه دانش‌آموختگان در خصوص بررسی وضعیت اشتغال آنها در رشته‌ها و گروه‌های مختلف است. نتایج پژوهش‌های اخترپور (Akhtarpour, 1995)، بخشی و همکاران (Bakshi, Esmail Zadeh, Taleghani, Rafei & Mahdizadeh, 2002)، محمدزاده نصرآبادی و همکاران (Mohammadzadeh, Pezeshkiran & Chizari, 2006) و پورکاظمی (Pourkazemi, 2009) نشان می‌دهد که به دلیل وجود نداشتن ارتباط با دانش‌آموختگان امکان پیگیری آنها و گردآوری اطلاعات دقیق در خصوص وضعیت اشتغال و علل بیکاری آنها موجود نیست. به اعتقاد رضایی سپاسی و صفدری (Rezai Sepasi & Safdari, 2011) بدون ارتباط با دانش‌آموختگان و ارزشیابی آنها نمی‌توان به اصلاح برنامه‌های درسی و سنجش مجدد نیازهای شغلی مراکز اشتغال همت گماشت. با نگاهی دقیق به شواهد ارائه شده می‌توان دریافت که نظام آموزش عالی کشور و در این میان، دانشگاه آزاد اسلامی از سیستم مناسبی برای برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموختگان و استفاده از ظرفیت بالقوه آنها در دانشگاه برخوردار نیست و اقدامات صورت گرفته در کانون‌های دانش‌آموختگان در دانشگاه آزاد اسلامی ناکافی است و انسجام و برنامه‌ریزی لازم را ندارد.

هدف پژوهش حاضر شناخت دقیق وضعیت موجود برای کمک به ایجاد ارتباط با دانش‌آموختگان و جلب مشارکت آنها در دانشگاه آزاد اسلامی بود. سؤال اصلی پژوهش این بود که وضعیت موجود ارتباط با دانش‌آموختگان در دانشگاه آزاد اسلامی به چه صورت است؟

بنا بر آمارهای منتشر شده در خصوص وضعیت آموزش عالی ایران در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱، جمعاً ۷۱۶۰۹۶ نفر از کل دانشگاه‌های کشور دانش‌آموخته شده‌اند که از این تعداد سهم دانش‌آموختگان دانشگاه‌های غیردولتی ۳۲۸۷۹۰ نفر بوده و ۴۵/۹ درصد آمار کل دانش‌آموختگان را به خود اختصاص داده است (Institute of Research & Planning in Higher Education, 2013). در واقع، می‌توان گفت که نیمی از ۱۰ میلیون دانش‌آموخته کشور از دانشگاه آزاد بوده‌اند. پیگیری و برقراری ارتباط کارآمد با این منبع عظیم انسانی به‌منظور پاسخگویی به نیازهای بی‌شمار آنها و استفاده از ظرفیتها و قابلیت‌های آنها در ابعاد مختلف باید مورد توجه خاص سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی و مدیران دانشگاه آزاد اسلامی قرار گیرد. در همین خصوص، کانون دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان مؤسسه غیر انتفاعی در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۱ به شماره ۱۳۷۲۲ به ثبت رسیده است. ارائه آموزش مداوم، بررسی و ایجاد زمینه جذب دانش‌آموختگان دانشگاه در بازار کار، مطالعه و تحقیق در خصوص مسائل جامعه و اجرای طرح‌های تحقیقاتی در زمینه برنامه‌های توسعه کشور، مشارکت دانش‌آموختگان در رشد کمی و کیفی دانشگاه، آگاهی دانشگاه از میزان و کیفیت کارایی دانش‌آموختگان به‌منظور بهبود برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و ترویج دانش از اهداف این مؤسسه است. صدور و ارائه کارت دانش‌آموختگی مورد تأیید، ارائه تسهیلات سالن‌های پذیرایی با تخفیف ویژه، سفارش و ارسال رایگان کتاب دانشگاهی و سایر محصولات آموزشی و فرهنگی، برگزاری جشن دانش‌آموختگان، ارائه تسهیلات ویژه برای استفاده از امکانات پژوهشگاهها و کتابخانه‌های مختلف، برگزاری گردهمایی مدیران و کارآفرینان دانش‌آموخته، برگزاری بازدید و سمینارهای مختلف، ارائه خدمات بیمه نوین، برگزاری آزمونهای آزمایشی و دوره‌های آمادگی کنکور، ارائه بسته و جزوات کمک آموزشی، ارائه خدمات مشاوره در زمینه‌های مختلف، ارائه خدمات ترجمه مدارک، نیازسنجی، طراحی و برگزاری دوره‌های آموزشی و تخصصی کوتاه مدت و ارائه درس کارآفرینی (۳ واحد) برای رشته‌های مقاطع کارشناسی و کاردانی از عمده فعالیت‌های انجام شده یا در دست اقدام کانون دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی برای اعضای خود در سالهای اخیر بوده است.

از دیگر اقدامات به‌منظور تحقق یافتن اهداف کانون مرکزی در خصوص ارتباط با دانش‌آموختگان، راه‌اندازی کانونهای دانش‌آموختگان واحدها و مراکز دانشگاهی بود که به دنبال ابلاغ بخشنامه شماره ۱۰/۱۳۸۳۳ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۳ در خصوص «ایجاد کانون واحدهای دانشگاهی» تأسیس شدند و پیرو بخشنامه شماره ۴۴۷۵۲ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۸ در خصوص «برگزاری انتخابات هیئتهای اجرایی کانون دانش‌آموختگان و فراهم ساختن امکانات و شرایط مناسب برای راه‌اندازی و حمایت از فعالیتها و برنامه‌های آنها توسط واحدها و مراکز دانشگاه آزاد اسلامی»، زمینه مناسب برای فعالیت آنها مهیا شد.

در حال حاضر، ۱۸۸ واحد و مرکز دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی از کانون دانش‌آموختگان برخوردارند و در این کانونها ۲۷ هزار نفر به صورت رسمی عضو هستند (Alumni Association of Islamic Azad University, 2015). در خصوص اثربخشی فعالیتهای کانون مرکز و کانونهای واحدها و مراکز دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی تحقیقی صورت نگرفته است، اما نتایج پیمایشی که محققان این پژوهش از مدیران و هیئت اجرایی کانونهای مناطق دوازده‌گانه دانشگاه آزاد اسلامی انجام دادند، نشان داد که اغلب کانونهای مراکز و واحدهای دانشگاهی در سطح کشور به دلایلی که بحث در باره آنها در این مقاله ممکن نیست، در حالت رکود و انحلال به سر می‌برند و عملاً پس از شکل‌گیری و برگزاری انتخابات اقدام خاص و چشمگیری در زمینه برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان خود انجام نداده‌اند.

### مبانی نظری و پیشینه

بسیاری از محققان مثل وورث (Worth, 2003)، ترومبل (Tromble, 1998)، وب (Webb, 1998) و تیلور و ماسی (Taylor & Massy, 1996) چنین استدلال می‌کنند که دانش‌آموختگان بزرگ‌ترین منبع و ثروت دانشگاه هستند. به عقیده گیل (Gill, 1998) دانش‌آموختگان به‌عنوان منابع بالقوه با سه روش از دانشگاه محل تحصیل‌شان حمایت می‌کنند: ۱. به‌عنوان طرفداران فعال و ذینفعان صاحب نفوذ؛ ۲. صادق‌ترین منتقد؛ ۳. حامیان مالی. ارتباط با دانش‌آموختگان به برنامه‌ها، خدمات و مزایایی گفته می‌شود که مدیران بخش دانش‌آموختگان طراحی می‌کنند تا علاوه بر حفظ ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه، از اثرها و مزایای متقابل این تعامل بهره‌گیرند (Hurwitz, 2005, pp. 1-3). برنامه‌های برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان نخستین شکل و عنصر زیربنایی برنامه توسعه سازمانی است. هدف از این برنامه‌ها آن است که همزمان هم به دانش‌آموختگان و هم به دانشگاه خدمت شود. نقش برنامه‌های ارتباط با دانش‌آموختگان این است که به‌عنوان رابط میان دانش‌آموختگان و دانشگاه عمل کند و از این طریق فرصتهایی برای درگیر شدن دانش‌آموختگان در امور دانشگاه به وجود آورد. از طریق برنامه‌های دانش‌آموختگان اطلاعات ورودی دانش‌آموختگان به‌منظور ارزیابی کیفیت و اثربخشی وارد دانشگاه می‌شود و به علاوه، نیازها و علایق دانش‌آموختگان نیز برای برآورده کردن آنها به مدیریت دانشگاه منعکس می‌شود (McAdoo, 2010, pp. 11-12). فراهم ساختن برنامه‌ریزی متنوع و با کیفیت برای دانش‌آموختگان و تدارک فرصتهایی برای خدمت آنها به دانشگاه محل تحصیل‌شان دلایل اولیه ایجاد دفاتر دانش‌آموختگان است (Hurwitz, 2005, pp. 17-18). دلایل اهمیت برنامه‌های ارتباط با دانش‌آموختگان برای دانشگاهها استفاده از مشارکت داوطلبانه آنها در اجرای رخدادهای دانشگاهی، حمایت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموختگان ذی‌نفوذ از دانشگاه، کسب منفعتهای متقابل، استفاده از حمایت دانش‌آموختگان در تأمین بودجه و توسعه دانشگاه از طریق اهدای کمک مالی و جمع‌آوری اعانه برای دانشگاه است. به عقیده کرنز و وایتر (Kerns & Witter, 1997) جمع‌آوری

اعانه اولین دلیل، برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان و انجام دادن کار داوطلبانه به ترتیب از دیگر دلایل آغاز برنامه‌های دانش‌آموختگان در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به‌شمار می‌آیند. با توجه به اهمیت موضوع، دانشگاهها باید تلاش کنند تا دانش‌آموختگان به دانشگاه متصل شوند و با حمایت و مشارکت داوطلبانه آنها در امور دانشگاه، به دانشگاه محل تحصیل خود وفادار بمانند و ادای سهم کنند. برنامه‌های ارتباط با دانش‌آموختگان باید بیش از آنکه اهداف مؤسسات آموزش عالی را برآورده کند، نیازها و علایق دانش‌آموختگان را تحقق بخشد. بنابراین، دانشگاهها با ارائه خدمات و مزایای مختلف سعی می‌کنند که منفعت و انتظار دانش‌آموخته را از ایجاد ارتباط برآورده و او را به برقراری ارتباط با دانشگاه و تداوم آن و مشارکت در امور دانشگاه ترغیب کنند.

در نظریه‌های مختلفی برقراری ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان تبیین شده است که برای مثال، می‌توان به نظریه سرمایه اجتماعی و نظریه مشارکت استناد کرد. سرمایه اجتماعی مفهومی است که برای اشاره به ارتباطات درون گروهی و بین گروهی از آن استفاده می‌شود. چهار رویکرد عمده نظریه سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: رویکرد جماعت‌گرایانه، رویکرد شبکه‌ای، رویکرد نهادی و رویکرد هم‌نیروزی. رویکرد شبکه‌ای یکی از چهار رویکرد مطرح در نظریه سرمایه اجتماعی است. از دیدگاه فلپ و برت (Flep, 1996; Burt, 1997, as cited in Lin, 1999 b, p.471) رویکرد شبکه‌ای به منابع در دسترس شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد. در این رویکرد ایده اصلی این است که شبکه‌های اجتماعی دارای ارزش هستند، همان‌طور که سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، هم به‌صورت فردی و هم در شکل اجتماعی، می‌توانند موجب بهره‌وری شوند. ارتباطات اجتماعی و روابط میان کارگزاران اجتماعی هم بر بهره‌وری افراد و گروهها تأثیر می‌گذارند؛ بدین معنا، سرمایه اجتماعی مترکم منابع بالقوه و بالفعلی است که با تصرف شبکه بادوامی از روابط کم و بیش نهادینه شده مبتنی بر آشنایی یا شناخت دوطرفه به هم پیوسته‌اند (Navabakhsh, Attar & Abolhasani, 2011, pp. 8-10).

لین (Lin, 1982, as cited in Zhang, 2010, p. 18) دیگر جامعه‌شناس معروف نیز «نظریه منابع اجتماعی» را مطرح می‌کند که در آن شبکه‌های اجتماعی از منظر سرمایه اجتماعی تحلیل می‌شوند. به نظر وی استفاده از ارتباطات اجتماعی و روابط اجتماعی برای دستیابی به اهداف حیاتی است. برای لین سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که در شبکه‌های اجتماعی جریان دارد؛ به‌عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی داراییهای موجود در شبکه‌هاست که در شبکه‌ها و روابط ریشه دارد. اندیشه پشتیبان این تلقی ساده و آن سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی و انتظار برای بازگشت سود است. در مجموع، بر طبق این رویکرد، سرمایه اجتماعی دارایی مهم در چارچوب ارتباطی است که میان افراد برقرار شده است که این چارچوب شبکه نامیده می‌شود (Navabakhsh et al., 2011, pp. 8-10). از نظر لین (Lin, 1999 a, pp. 7-12) سرمایه اجتماعی از سه جزء منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری این‌گونه منابع اجتماعی در کنشهای هدفمند تشکیل شده است. او منابع نهفته و موقعیتهای شبکه‌ای را دو عنصر مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند؛ یعنی

افراد برای دستیابی به سود در تعاملات و شبکه‌سازی شرکت می‌کنند. او به تسهیل جریان اطلاعات در برخی از پیوندهای اجتماعی اشاره و نتایج سرمایه‌گذاری افراد در روابط یا شبکه‌های اجتماعی را در ارتباط با دو نوع کنش ابزاری و کنش اظهاری طبقه‌بندی می‌کند. برای کنش ابزاری بازگشت سرمایه در سه قالب اقتصادی (ثروت)، سیاسی (قدرت) یا اجتماعی (شهرت) اتفاق می‌افتد.

بررسی مبانی نظری نشان می‌دهد که برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی از سه نظریه پیوند ضعیف، شکاف ساختاری و منابع اجتماعی استفاده شده است. نظریه‌های پیوند ضعیف و شکاف ارتباطات بر شبکه ارتباطات و نظریه منابع اجتماعی بر محتوای روابط در شبکه تأکید دارند. بر طبق نظریه پیوند، هرچه شدت و استحکام روابط میان اعضای شبکه بیشتر باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کمتر و برعکس، هرچه شدت و استحکام این روابط ضعیف‌تر باشد، نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی بیشتر است. مطابق نظریه شکاف ساختاری اگر افراد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با آنها در ارتباط نیستند یا حداقل ارتباط کمی با همدیگر دارند، ارتباط برقرار کنند، نهایت استفاده را خواهند برد (Kheirkhah, 2011, pp. 31-33). از دیدگاه لینا و وان بون (Leana & Van Buren, 1999, p. 542; Amirkhani, 2010, pp. 33-34) دل‌بستگی و اعتماد ابعاد سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آیند. دل‌بستگی به منزله تمایل و توانایی افراد در سازمان برای اینکه هدفهای فردی را تابع هدفها و اعمال جمعی کنند. تمایل افراد برای مشارکت در اعمال جمعی به این امر بستگی دارد که آنها تا چه حد معتقدند که کوششهای فردی، که به همه به‌طور مستقیم سود می‌رسانند، موجب بهره‌مندی افراد به‌طور غیر مستقیم نیز می‌شود و این لازمه کارکردن افراد در کنار یکدیگر و بر روی پدیده‌های مشترک است.

مشارکت اجتماعی نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و به نوعی پدیده مشارکت دانش‌آموختگان در امور دانشگاه را تبیین می‌کند. مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع مختلف کنشهای فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح ذهنی و رفتاری در افراد اتفاق بیفتد. بعد رفتاری مشارکت به‌صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند که همان پیوند عینی افراد است (Mousavi, 2006, p.77). مشارکت اجتماعی به دو صورت و غیررسمی اتفاق می‌افتد. مشارکت غیررسمی خود در سطوح درگیری اتفاقی و مشارکت پایدار مشاهده می‌شود. آنچه در خصوص مشارکت دانش‌آموختگان در کانون دانش‌آموختگان یا دفاتر ارتباط با دانش‌آموختگان به چشم می‌خورد، از نوع مشارکت رسمی و غیررسمی است. به عقیده پاتنام و همکاران (Putnam, Leonardi & Nanetti, 1993) شبکه‌های مشارکت مدنی علاوه بر تسهیل ارتباط و افزایش اعتماد متقابل، جریان اطلاعات را در بین افراد معتمد بهبود می‌بخشند و روند همکاری را تسهیل می‌کنند. شبکه‌های مشارکت مدنی مد نظر پاتنام شامل شبکه‌های افقی است، نه عمودی (Putnam, Leonardi & Nanetti, 1993, p.183; Mahdavi & Rahmani Khalili, 2008, pp. 10-12). کانونها یا گروههای دانش‌آموختگان جزو شبکه‌های مشارکت مدنی به‌شمار می‌آیند و دانش‌آموختگان می‌توانند با

مشارکت در این شبکه‌های داوطلبانه مدنی، علاوه بر برقراری ارتباط با دانشگاه یا اعضای دیگر، از منافع و مزایای موجود در شبکه‌های ارتباطی نیز بهره‌مند شوند و دانشگاهها هم می‌توانند با افزایش دلبستگی و اعتماد دانش‌آموختگان به دانشگاه، از منابع و مزایای موجود در شبکه‌های دانش‌آموختگان به نفع دانشگاه استفاده کنند.

آنچه در خصوص بررسی سوابق تحقیقات انجام شده می‌توان گفت، این است که در حوزه رشد دانش‌آموختگان و ارتباط با آنها در سطح بین‌المللی پژوهش و نظریه‌پردازی‌ای صورت نگرفته است (Muller, 2004). به زعم آرنولد (Arnold, 2003) پژوهشهای منتشر شده بیشتر بر رشد دانش‌آموختگان متمرکز شده است تا برقراری ارتباط با آنها. پژوهشهای صورت گرفته در خصوص ارتباط با دانش‌آموختگان به‌طور عمده دانش‌آموخته را به‌عنوان اهداکننده کمک به دانشگاه و منبع اطلاعاتی به‌شمار می‌آورند (Cubarrubia, 2009, pp. 39-40). تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتباط با دانش‌آموختگان در ابعاد متفاوتی بوده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در زمینه اثربخشی برنامه‌های دانش‌آموختگان سوابق پژوهشی اندکی موجود است. برای مثال، نتایج پژوهش هارویتز (Hurwitz, 2005) در خصوص چگونگی و نحوه ارزیابی اثربخشی ارتباطات دانشگاهها با دانش‌آموختگان نشان داد که عواملی چون ایجاد ارتباط با دانش‌آموختگان، درک علل مشارکت و سازگاری آنها، تدارک دیدن برنامه‌های دانش‌آموختگان، به‌وجود آوردن حس افتخار، وفاداری، حس تعلق و غیره در اثربخشی روابط تأثیر می‌گذارند.

روشهای برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان حوزه دیگری است که برخی از پژوهشها بر آن متمرکز شده است. مطالعه باون (Bowen, 2008) در خصوص تفاوت‌های موجود در شیوه‌های برقراری ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه در نسل‌های مختلف دانش‌آموختگان وجود دارد و توجه به نحوه برقراری ارتباط با مخاطبان در مشارکت آنها در امور دانشگاه تأثیرگذار است. از روشهای مؤثر برقراری ارتباط مداوم دانشگاه و دانش‌آموختگان عضویت در انجمنها و کانونهای دانش‌آموختگان است. درباره مسائل کانونهای دانش‌آموختگان نیز پژوهشهای اندکی صورت گرفته است. در پژوهش مارشال (Marshall, 2009) کارکردهای انجمن دانش‌آموختگان در دانشگاههای شهرهای منتخب مطالعه شد. نتایج تحقیق کریستوفرسون (Christopherson, 2010) در خصوص سطوح عضویت در کانونهای دانش‌آموختگان در دانشگاههای دولتی نشان داد که ویژگیهای کانونها، خصوصیات سازمانی و روشهایی که آنها برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند، با سطح عضویت رابطه مثبت دارد. نتایج این تحقیق همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که برقراری ارتباط کارآمد با دانش‌آموختگان موضوعی تعیین‌کننده در مشارکت آنهاست (Christopherson, 2010, pp. 31-33). علاوه بر یافته‌های تحقیق مذکور، مطالعات پیرسون (Pearson, 1999)، تیلور و مارتین (Taylor & Martin, 1995)، سیرکین و مک درموت (Sirkin & McDermott, 1955) و دورونیو و لئوسین (Duronio & Loessin, 1990) به اهمیت ایجاد راهبردهای هماهنگ شده در سطح دانشگاه برای برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان تأکید

کردند. طبق نظر لس‌لی و ریمی (Leslie & Ramey, 1988) دانش‌آموختگانی که محل تحصیل‌شان با آنها هیچ‌گونه تماس یا ارتباطی برقرار نکرده است، احتمالاً برای حمایت [مالی] از دانشگاه داوطلب نمی‌شوند. نتایج پژوهش نیومن و پتروسکو (Newman & Petrosko, 2011) نیز نشان داد که شاخصه‌هایی چون داشتن تجربه‌های مثبت از دوران دانشجویی، ادراک مثبت از مؤسسه دانشگاهی، آگاهی از خصوصیات اعضای کانون و مشارکت بیشتر در دانشگاه در افزایش احتمال عضویت دانش‌آموختگان در کانونها مؤثر است. در نتایج پژوهش مرکل (Merkel, 2010) به لزوم استفاده از رویکرد مدیریت ارتباط (ارتباط تعامل محور و دوستانه) برای ایجاد ارتباط میان دانشجویان و دانشگاه از طریق ارتباط دانش‌آموخته و دانشگاه و توسعه مشارکت داوطلبانه و متعهدانه دانشجویان و دانش‌آموختگان در اداره امور دانشگاه تأکید شد.

راهبردهای افزایش مشارکت دانش‌آموختگان در امور دانشگاه موضوعی است که بسیاری از محققان به آن توجه کرده‌اند. نتایج پژوهش حمل (Hummel, 2010) در خصوص عوامل تأثیرگذار بر ارتباط و تعهد دانش‌آموختگان نشان داد که تجربه مشارکت در دوران دانشجویی به مشارکت در امور دانشگاه پس از دانش‌آموختگی منجر می‌شود. نتایج پژوهش یان و فارو (Farrow & Connie Yuan, 2011) نشان داد که برقراری ارتباط از طریق شبکه فیس‌بوک بر نگرش دانش‌آموختگان به داوطلب شدن برای کمک مالی و اعطای هدایای انسان‌دوستانه به دانشگاه محل تحصیل‌شان تأثیر می‌گذارد.

در زمینه عوامل تأثیرگذار بر موفقیت برنامه‌های دانش‌آموختگان، شافرد (Shuford, 2007 pp. 12-33) پژوهشی در زمینه عوامل تأثیرگذار بر موفقیت برنامه‌های دانش‌آموختگان در دانشکده‌های دو ساله کارولینای شمالی انجام داده و ضمن اشاره به نتایج پژوهش کرنز و وایتر (Kerns & Witter, 1997)، هرین و همکاران (Herbin, Dittman, Herbert & Ebben, 2006) و کوریبر (Currier, 2006) توصیه‌های مفیدی در خصوص آغاز برنامه دانش‌آموختگان ارائه کرده است.

در تحقیق ده ساله ون هوتن (Van Houten, 1989, pp. 247-249) بر روی تجربه‌های ۳۰ دانشکده در شهر نیویورک، فهرست نیازهای دانشکده‌ها در خصوص برنامه‌های دانش‌آموختگان شناسایی شد که عبارت‌اند از: آموزش رئیس دانشکده در خصوص ارزش برنامه دانش‌آموختگان، مشارکت در تصویرسازی مشکلات موجود مؤسسه دانشگاهی، پژوهش و کسب اطلاعات در باره دانش‌آموخته و نیازهای او، برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه مدت، حمایت بودجه‌ای، داشتن گروهی از داوطلبان، برقراری ارتباطات فراوان با دانش‌آموختگان و اعضای هیئت‌علمی، بازشناسی و شفاف‌سازی برنامه در جامعه و در دانشکده، ارتقای وفاداری در دانشجویان با برنامه‌ریزی درسی، تثبیت اقدامات از طریق عضویت در هیئت امنای دانشگاه و کمیته مشورتی برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموختگان.

کرنز و وایتر (Kerns & Witter, 1997, p. 24) نیز مسائل و مشکلاتی را که موجب شکست و پسرفت برنامه‌های ارتباط با دانش‌آموختگان در دانشکده‌های دوساله می‌شوند، شناسایی کردند. به اعتقاد آنها توجه به مشکلاتی چون نبود التزام به داشتن برنامه و مشکل بودن پیگیری دانش‌آموختگان (به‌ویژه



پیدا کردن شماره تماس و نشانی آنها) عامل شکست برنامه‌های دانش‌آموختگان است. آنها علاوه بر تأکید بر توجه به دلایل افزایش مشارکت دانش‌آموختگان و ترویج وفاداری در میان آنها، فعالیت‌هایی را که موجب بازگشت دانش‌آموختگان به دانشکده و مشارکت آنها می‌شود، شناسایی کردند.

هربین و همکاران (Herbin et al., 2006, pp. 20-29) هم عواملی چون پاسخگویی مصمم و جامع، تعهد کارمندان به برنامه، بودجه کافی، توسعه پایگاه اطلاعاتی، تعیین راهبرد ارتباطی، درگیر شدن دانش‌آموختگان در برنامه و غیره را به‌عنوان عوامل مورد نیاز برای موفقیت برنامه دانش‌آموختگان در دانشگاه یا دانشکده شناسایی کردند. آنها همچنین کسب احترام و اعتماد دانش‌آموختگان، رشد روابط با آنها در دوران دانشجویی، داشتن بینش بلندمدت، فراهم کردن سیستم‌هایی برای حمایت از دانش‌آموختگان، درگیر کردن فعالانه آنها و توجه به عوامل مشوق دانش‌آموختگان را از عادت‌های برنامه‌های دانش‌آموختگان موفق دانستند. وی اذعان می‌کند که استفاده از دانش‌آموختگان در سازماندهی رخدادهای دانشگاهی، درگیر ساختن آنها در امور دانشگاه و ارائه مزایا و خدمات به آنان از راهبردهایی هستند که موجب بازگشت دانش‌آموختگان به دانشگاه و مشارکت آنها در امور دانشگاه می‌شود.

کوریر (Currier, 2006) نیز ارائه مزایا و خدمات از سوی دانشگاه به دانش‌آموختگان فعال را راه‌حل درگیر ساختن دانش‌آموختگان تلقی و در پژوهش خود این مزایا را در ابعاد مختلف شناسایی کرده است. سؤالهای پژوهش حاضر به قرار زیر بود:

۱. دانشگاه شما بعد از دانش‌آموختگی چگونه با شما ارتباط برقرار می‌کند و شما را در فعالیتهای مختلف درگیر می‌ساخت؟
۲. وضعیت موجود ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان را در دانشگاه آزاد اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۳. شما چگونه با دانشگاه محل تحصیل خود بعد از دانش‌آموختگی ارتباط برقرار و در اداره امور مختلف دانشگاه مشارکت می‌کردید؟
۴. چه چیزی موجب می‌شود که بخواهید با دانشگاه محل تحصیل خود ارتباط برقرار و در اداره امور آن مشارکت کنید؟
۵. دانشگاه شما در برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان و استفاده از مشارکت آنها با چه ضعف‌ها و محدودیتهایی روبه‌رو هستند؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر کمی و کیفی بودن ماهیت کیفی دارد که در آن نشانگرهای پژوهش کیفی نظیر استفاده از روشهای کیفی جمع‌آوری اطلاعات مانند مصاحبه و مشارکت پژوهشگر در جمع‌آوری اطلاعات و استفاده از دست‌بندی و ساده سازی برای تحلیل داده‌ها به‌کار گرفته شده است (Gall, Borg & Gall, 2001). جامعه آماری تحقیق ۸۶۵ نفر از دانشجویان دوره دکتری در رشته‌های مختلف دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ بودند. نحوه انتخاب نمونه بدین صورت بود که از میان رشته‌های دوره دکتری در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۲ رشته علوم انسانی، ۵ رشته علوم پایه، ۴ رشته فنی-مهندسی و ۷ رشته کشاورزی به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس، با مراجعه به آموزش دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی رشته‌های انتخابی مربوط از برنامه کلاسی و زمان حضور دانشجویان دکتری در دانشکده اطلاع حاصل شد و به صورت تصادفی ۶۵ نفر از دانشجویان این دوره که حداکثر دو سال و نیم از دانش‌آموختگی آنها در مقطع کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی گذشته بود، انتخاب شدند. نمونه‌برداری با روش اشباع داده‌ها صورت گرفت. فراوانی نمونه‌های تحقیق در جدول ۱ نشان داده شده است. ابزار به کار رفته برای جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته بود.

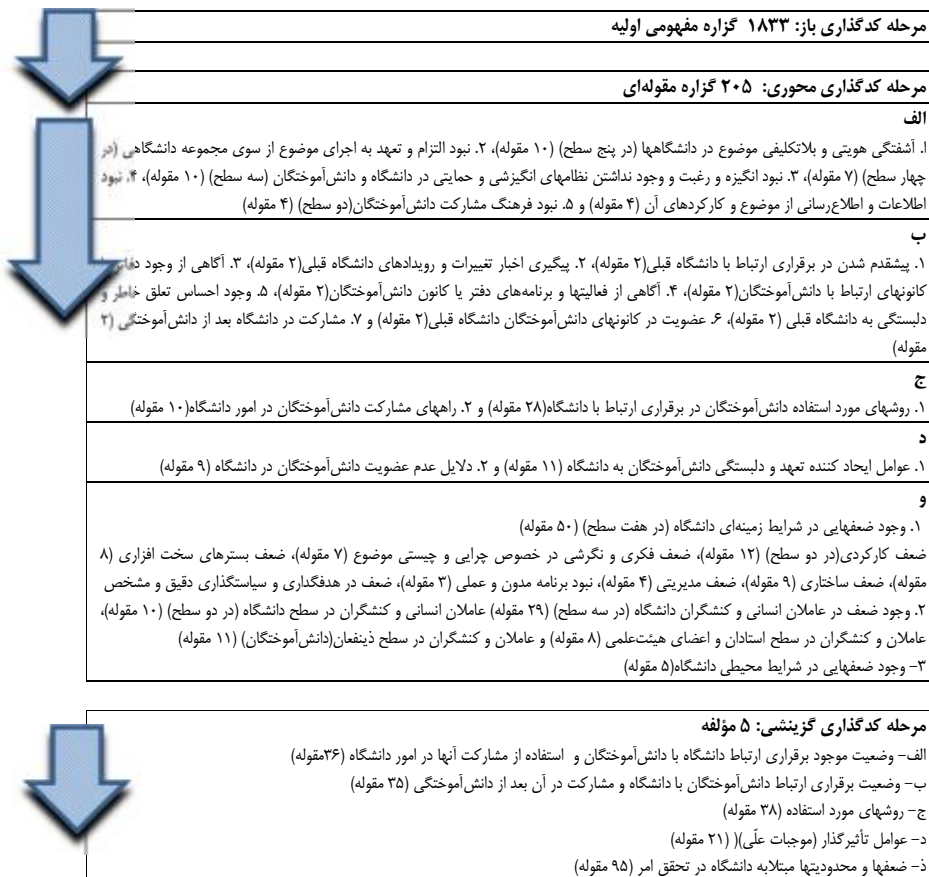
جدول ۱- فراوانی نمونه‌های تحقیق در رشته‌های مختلف دوره دکتری در واحد علوم و تحقیقات تهران

رشته‌های انتخابی	علوم انسانی	علوم پایه	فنی - مهندسی	کشاورزی	جمع کل
حجم جامعه	۴۲۰	۱۷۵	۱۰۵	۱۶۵	۸۶۵
حجم نمونه	۲۲	۱۷	۱۰	۱۶	۶۵

شیوه جمع‌آوری اطلاعات بدین صورت بود که با تنظیم وقت قبلی با دانشجویان دوره دکتری، در مکانی آرام و با صرف وقت کافی سوالات مصاحبه مطرح شد. همچنین تلاش شد تا با رعایت اصول اجرای مصاحبه نیمه ساختار یافته تجربه‌ها و دیدگاه‌های واقعی افراد یا به عبارتی، تجربه زیسته آنها در خصوص موضوع به دست آید. پس از اتمام جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه‌های ضبط شده با صرف وقت بسیار و بدون کم و کاست و به شیوه کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده و برای تحلیل نهایی آماده شد. موضوع صحت، اطمینان و اعتماد در خصوص یافته‌های استخراج شده از پدیده، از طریق مراجعه مجدد یا ارسال نسخه مکتوب مصاحبه از طریق ایمیل به مصاحبه‌شوندگان برای تأیید حاصل شد و با نظر آنها موارد مبهم آشکار و موردی اضافه یا حذف شد. جمع‌آوری داده‌های مصاحبه طی چندین ماه و در زمانها، رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف بر قابلیت اعتبار و تبیین عمیق‌تر پدیده، دقت و قابلیت انتقال یافته‌ها افزود.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از مصاحبه از روش تحلیل محتوا استفاده شد. به عقیده وبر (Weber, 1990; as cited in Arasteh, 2006) تحلیل محتوا روشی کیفی و نظام‌مند به منظور خلاصه کردن اسناد در دسته‌های مختلف بر اساس دستورالعمل‌های روش‌های کدگذاری داده‌هاست. تحلیل محتوا روشی مفید برای کشف و تفسیر رفتار افراد، گروه‌ها و سازمانهاست. این روش امکان بررسی نظام‌مند مصاحبه‌ها را برای پژوهشگر فراهم می‌کند. تحلیل محتوای کیفی در سه مرحله انجام شد: ۱. مرحله کدگذاری باز که محقق بیشتر با مفاهیم سروکار دارد. بنابراین، در تلخیص مرحله

اول گزاره‌هایی که ارتباط چندانی با پرسش تحقیق نداشتند حذف شدند یا آنهایی که معنای مشابهی با سایر عبارتها داشتند، کنار گذاشته شدند و ۱۸۳۳ گزاره مفهومی به‌دست آمد. ۲. کدگذاری محوری که کانون توجه محقق بر روی مقولات است و از این رو، در مرحله دوم گزاره‌های مشابه دسته بندی و خلاصه شدند و ۲۰۵ گزاره مقوله‌ای به‌دست آمد. ۳. کدگذاری گزینشی که قضا یا وضوح کافی پیدا می‌کند؛ یعنی روابط تعمیم یافته میان مقولات منعکس می‌شود؛ در این مرحله داده‌ها از طریق کنار گذاشتن گزاره‌هایی که در عبارتهای تعمیم داده شده آمده بودند، دسته‌بندی شدند؛ گزاره‌ها در سطح انتزاعی‌تر تلخیص و کدگذاری و پنج مؤلفه نهایی انتخاب شدند. نتایج در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱- یافته‌های به‌دست آمده در جریان تحلیل داده‌های کسب شده از مصاحبه‌ها

## یافته‌ها

مؤلفه‌های نهایی به‌دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها در توصیف وضعیت موجود در خصوص موضوع در دانشگاه اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، عبارت‌اند از: ۱. برقراری ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان و استفاده از مشارکت آنها؛ ۲. برقراری ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه و مشارکت در آن بعد از دانش‌آموختگی؛ ۳. روشهای مورد استفاده؛ ۴. عوامل تأثیرگذار؛ ۵. ضعفها و محدودیتهای مبتلابه دانشگاه در تحقق امر. در ادامه نتایج به‌دست آمده در خصوص مؤلفه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

سؤال ۱. دانشگاه شما بعد از دانش‌آموختگی چگونه با شما ارتباط برقرار می‌کند و شما را در فعالیتهای مختلف درگیر می‌ساخت؟

جدول ۲- وضعیت برقراری ارتباط دانشگاه آزاد اسلامی با دانش‌آموختگان

جمع کل	ارتباط برقرار نشده		ارتباط برقرار شده		پاسخهای ارائه شده
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۵	۹۵/۳۸	۶۲	۴/۶۱	۳	برقراری ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان
	۸۹/۲۳	۵۸	۶/۱۵	۴	استفاده از مشارکت دانش‌آموختگان

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ارزیابی وضعیت موجود در خصوص موضوع در دانشگاه آزاد اسلامی گواه بر نبود ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان است، چرا که فقط ۴/۶۱ درصد از دانش‌آموختگان اظهار کردند که بعد از دانش‌آموختگی دانشگاه با آنها ارتباط برقرار کرده است و این مقدار اندک نیز از سوی استادان به‌منظور انجام دادن کارهای پژوهشی بوده و اقدامات صورت گرفته توسط دانشگاه بسیار نامحسوس و کم‌رنگ بوده است که آن هم در حد برگزاری معهود آیین دانش‌آموختگی و وداع با محصولات خود خلاصه شده است. ۸۹/۲۳ درصد از دانش‌آموختگان اظهار داشته‌اند که برای استفاده از مشارکت آنها در دانشگاه اقدامی صورت نگرفته است.

سؤال ۲. وضعیت موجود ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان را در دانشگاه آزاد اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جدول ۳- ارزیابی دانش‌آموختگان از وضعیت موجود موضوع در دانشگاههای آزاد اسلامی

جمع کل	اطلاع ندارم	ضعیف است		وجود ندارد		وجود دارد		پاسخهای ارائه شده
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۵	۶	۲۳/۰۷	۱۵	۴۶/۱۵	۳۰	۲۱/۵۳	۱۴	برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان
۶۵	۳	۳/۰۷	۲	۶۹/۲۳	۴۵	۲۳/۰۷	۱۵	استفاده از مشارکت دانش‌آموختگان

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که دانشگاه آزاد اسلامی در خصوص برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان (۴۶/۱۵ درصد) و جلب مشارکت آنان (۶۹/۲۳ درصد) اقدام خاصی انجام نداده و اقدامات صورت گرفته برحسب نیاز و بسیار کم‌رنگ بوده است. پاسخهای آنها گواه مسلمی بر نارضایتی دانش‌آموختگان از وضعیت موجود در باره موضوع در دانشگاه آزاد اسلامی است. همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، اطلاع‌رسانی ناکافی در خصوص کانون و کارکردهای آن با بیشترین میزان (۱۳/۳۵ درصد) و وجود نوعی آشفتگی و بلاتکلیفی هویتی موضوع برقراری ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان به ترتیب در ابعادی چون نبود زمینه مناسب با بیشترین میزان (۱۰/۶۸ درصد)، اولویت نداشتن، نداشتن جایگاه واقعی، نبود نهاد متولی و پاسخگو و تعریف نشدن موضوع در فلسفه وجودی و رسالت دانشگاه حاکم است. ارزیابی وضعیت موجود از نبود التزام و تعهد به برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان و استفاده از مشارکت آنها در دانشگاه در ابعادی چون نبود برنامه مدون و هدفمند، نبود روحیه و انگیزه برقراری ارتباط در دانشگاه و دانش‌آموخته (۹/۹۷ درصد) به دلیل نبود مشوقهای مادی و معنوی برای آن (۸/۳۰ درصد) و نبود رغبت برای مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری در دانشگاه و دانش‌آموخته [دعوت نکردن از دانش‌آموخته برای مشارکت در دانشگاه و حمایت نکردن از آنها ۱۱/۵۷ درصد] حکایت دارد. در مجموع، از داده‌های به‌دست آمده می‌توان استنباط کرد که ارتباط با دانش‌آموختگان در دانشگاه آزاد اسلامی وضعیت مناسبی ندارد.

به نظر می‌رسد که نتایج به‌دست آمده در خصوص عدم استفاده از مشارکت دانش‌آموختگان تا حدود زیادی زاییده شرایط موجود دانشگاهها در زمینه برقرار نکردن ارتباط با دانش‌آموختگان است. نتایج به‌دست آمده با تحقیق کریستوفرسون (Christopherson, 2010) مطابقت و با نتایج مرکل (Merkel, 2010)، هارویتز (Hurwitz, 2005) و شافرد (Shuford, 2007) مغایرت دارد. لزوم برقراری ارتباط با اتخاذ رویکردهای مناسب یکی از ملاکهای اثربخشی روابط دانش‌آموختگان و توسعه مشارکت داوطلبانه و متعهدانه آنها در اداره امور دانشگاه به‌شمار می‌آید. طبق نتایج تحقیق شافرد (Shuford, 2007) برنامه‌های ارتباط با دانش‌آموختگان موفق باید بلندمدت و کوتاه مدت باشد، اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی برنامه دانش‌آموختگان در جامعه و دانشگاه وجود داشته باشد و نیز بینش بلندمدت، حمایتگری، درگیر ساختن دانش‌آموختگان داوطلب در امور دانشگاه و تدارک عوامل مشوق و انگیزشی برای دانش‌آموختگان داشته باشد که متأسفانه، مطالعه وضعیت موجود نشان می‌دهد که هیچ کدام از این ویژگیها در دانشگاه آزاد اسلامی به چشم نمی‌خورد.

سؤال ۳. شما چگونه با دانشگاه محل تحصیل خود بعد از دانش‌آموختگی ارتباط برقرار و در اداره امور مختلف دانشگاه مشارکت می‌کردید؟

همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، پاسخهای ارائه شده به سؤال ۳ در هفت مقوله دسته‌بندی شد که عبارت‌اند از: ۱. بر مبنای نتایج تحقیق، ۸۰ درصد دانش‌آموختگان اعتراف کرده‌اند که در برقراری ارتباط با دانشگاه و تداوم آن با روشهایی که در ادامه بحث گفته خواهد شد، به نوعی پیشقدم شده‌اند.

۲. شواهد نشان داد که ۸۴/۶۱ درصد از دانش‌آموختگان هنوز هم علاقه‌مند به پیگیری اخبار تغییرات و رویدادهای دانشگاه محل تحصیل خود هستند و با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف اخبار دانشگاه را رصد می‌کنند. ۳. متأسفانه، فقط ۳۶/۹۲ درصد از دانش‌آموختگان از وجود کانون یا دفاتر ارتباط با دانش‌آموختگان در دانشگاه آگاهی داشتند و ۴۳/۰۷ درصد دیگر ادعا کردند که برای اولین بار است که چنین چیزی را می‌شنوند. ۴. از میان درصد ناچیز دانش‌آموختگان مطلع فقط ۲۳/۰۷ درصد از فعالیتهای برنامه‌هایی که کانونهای دانش‌آموختگان در خصوص ارتباط با دانش‌آموختگان انجام می‌دهند، اطلاع داشتند و بقیه بر مبنای تصورات و برداشتهای ذهنی خود در خصوص فعالیتهای برنامه‌های کانونها قضاوت کردند. این یافته نشان می‌دهد که دانشگاهها و کانونها در خصوص اطلاع‌رسانی و تبلیغ فعالیتهای خود اقدامی انجام نداده‌اند. نتیجه به‌دست آمده با نتیجه تحقیق باون (Bown, 2008) مغایرت دارد، چرا که آگاه کردن و اطلاع‌رسانی به دانش‌آموختگان درک مناسبی از مؤسسه دانشگاهی در آنها به وجود خواهد آورد. ۵. نتایج دیگری که به نوعی تأیید کننده نتیجه یادشده است، این است که فقط ۱۰/۷۶ درصد از دانش‌آموختگان در کانونهای دانشگاه خود عضو هستند. دانش‌آموختگان عضو نیز ادعا کردند که بعد از عضویت هیچ تماسی با آنها گرفته نشده و از آنها برای شرکت در برنامه‌ها و مشارکت در دانشگاه دعوت به‌عمل نیامده است، چه برسد به دریافت خدمات. نتایج تحقیق گواه آن است که کانونهای دانش‌آموختگان دانشگاههای کشور غیرفعال هستند و برای برقراری ارتباط با مخاطبان خود اقدام چشمگیری انجام نداده یا از روش مناسبی استفاده نکرده‌اند. ۶. مایه خوشبختی است که علی‌رغم وجود تمام مشکلات، ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان به دانشگاه محل تحصیل خود احساس تعلق خاطر و دلبستگی داشتند و کاملاً به تداوم ارتباط با دانشگاه و مهم‌تر از آن حمایت از دانشگاه سابق خود علاقه‌مند بودند. ۷. مسلماً وجود همین حس تعلق خاطر در مشارکت آنها در دانشگاه بعد از دانش‌آموختگی بی‌تأثیر نبوده است و تحلیل پاسخها نشان داد که ۴۰ درصد از دانش‌آموختگان بعد از اتمام تحصیل غالباً در برخی زمینه‌ها در دانشگاه مشارکت کرده‌اند و این مشارکت به‌صورت داوطلبانه و اغلب با حمایت از استادان صورت گرفته است و همان‌طور که قبلاً گفته شد، دانشگاه کاری در این زمینه انجام نداده است.

روشهای مورد استفاده دانش‌آموختگان در برقراری ارتباط با دانشگاه و مشارکت در آن بدین صورت است که بیشترین زمینه‌های اتصال دانش‌آموختگان به دانشگاه بعد از دانش‌آموختگی به ترتیب در پیگیری اخبار رویدادها و تغییرات دانشگاه (۵۴/۸۱ درصد) به‌ویژه از طریق ملاقات و تجدید دیدار با استادان، انجام دادن کار علمی (برگزاری کلاس کنکور) و پژوهشی با استادان و گرفتن راهنمایی از آنها و تدریس در دانشگاه و غیره بوده است. مراجعه برای استفاده از خدمات و امکانات دانشگاه در زمینه‌های مختلف (۳۱/۸۵ درصد) به‌ویژه در زمینه دریافت حمایت‌های استادان در بعد علمی - پژوهشی و شرکت در برنامه‌ها، دوره‌های علمی و فرهنگی دانشگاه (۸/۱۵ درصد) و برقراری ارتباط با دانشگاه به واسطه ادامه تحصیل و زمینه‌های کاری (۵/۱۸ درصد) بوده و آن هم بنا بر حسب نیاز و ضرورت از سوی

دانش‌آموختگان صورت گرفته و دانشگاه آزاد اسلامی در این زمینه به روشهای ارتباطی خاصی متوسل نشده است. دانش‌آموختگان از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی (دوستان دانشگاهی، استادان، مدیر گروه و کارکنان دانشگاه)، بازگشت به محل تحصیل و بازدید از آن اخبار تغییرات و رویدادهای دانشگاه را پیگیری می‌کنند. نکته قابل توجه اینکه کمترین روش مورد استفاده آنها برای آگاهی از اخبار دانشگاه برقراری ارتباط در شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک و مراجعه به وبسایت دانشگاه است که این امر نشان‌دهنده عدم اطلاع‌رسانی موضوع از طریق سایتهای دانشگاههاست، موردی که در کشورهای دیگر بیشترین کاربرد را در این زمینه دارد.

دانش‌آموختگان مشارکت در امور پژوهشی با استادان (اجرای طرحهای پژوهشی و تألیف مقاله و کتاب) (۴۰/۲۴ درصد)، مشارکت در برنامه‌های آموزشی (تدریس به‌عنوان مدرس مدعو، راهنمایی پروژه‌های دانشجویی، برگزاری کلاسهای رفع اشکال و حل تمرین و دستیاری استاد) (۲۸/۰۴ درصد)، مشارکت در اجرای فعالیتهای فوق برنامه (به‌ویژه اجرای برنامه‌های علمی، برقراری سمینار، همایش، بازدید و کارگاه) به‌عنوان دبیر یا هیئت اجرایی و عضویت در انجمنهای علمی - دانشجویی (۹/۷۵ درصد)، مشارکت در اداره امور دانشگاه (آزمایشگاهها و ارائه خدمت به‌عنوان کارمند) (۶/۰۹ درصد) و غیره را به‌عنوان راههای مشارکت خود عنوان کرده‌اند. طبق نتایج تحقیق برقراری ارتباط از طریق شرکت دانش‌آموختگان در برنامه‌های علمی - فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی بسیار ناچیز است؛ یعنی اینکه بار سنگین تداوم ارتباط با دانش‌آموختگان اغلب بر دوش استادان و اعضای هیئت علمی و اقدامات داوطلبانه دانش‌آموختگان بوده و دانشگاه آزاد اسلامی برنامه علمی - فرهنگی یا برنامه یاددهی - یادگیری خاصی برای دانش‌آموختگان تدارک ندیده است. نتیجه به‌دست آمده در این تحقیق با نتیجه تحقیق شافرد (Shuford, 2007) در خصوص لزوم استفاده از مشارکت دانش‌آموختگان در ساماندهی و اجرای رخدادهای ویژه دانش‌آموختگان و اداره امور دانشگاه مغایرت دارد؛ بر اساس نتایج پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی در این زمینه اقدام خاصی انجام نداده است که بتواند زمینه‌ساز برقراری ارتباط دانشگاه با آنها باشد.

سؤال ۴. چه چیزی موجب می‌شود که بخواهید با دانشگاه محل تحصیل خود ارتباط برقرار و در اداره امور آن مشارکت کنید؟

موجبات علی آن دسته از عواملی هستند که به‌طور مستقیم به حفظ ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه و درگیر شدن آنها در آن می‌انجامند. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عواملی چون درگیر شدن در فعالیتهای مختلف دانشگاه در دوران دانشجویی (۱۴/۴۵ درصد)، کیفیت زندگی دانشجویی (۱۱/۹۴ درصد)، تعهد و احساس مسئولیت دانشگاه در قبال پاسخگویی به نیازها و انتظارات آنها در دوران دانشجویی (۱۱/۸۲ درصد)، احساس تعلق خاطر و دلبستگی به دانشگاه (۶/۵۴ درصد)، رضایتمندی از تجربه دانشجویی (۲/۹۸ درصد) و عضویت در کانون دانش‌آموختگان به ترتیب از عوامل مؤثر و دلایل برقراری ارتباط با دانشگاه بعد از دانش‌آموختگی است. آنها مهم‌ترین دلیل عضو نشدن در کانونهای دانش‌آموختگان

دانشگاه خود را در بی‌اطلاعی از وجود کانون و نبود تبلیغات کافی در باره آن ذکر کردند. نتیجه به‌دست آمده در این مقوله با نتایج پژوهش کریستوفرسون (Christopherson, 2010) و نیومن و پتروسکو (Newman & Petrosko, 2011) مطابقت دارد. ویژگیهای کانون، خصوصیات سازمانی و روشهای مورد استفاده آنها برای برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان با سطح عضویت رابطه مثبت دارد. نیومن و پتروسکو نیز وجود شاخصهایی چون داشتن تجربه‌های مثبت از دوران دانشجویی، ادراک مثبت از مؤسسه دانشگاهی بر تداوم ارتباط با دانشگاه و افزایش احتمال عضویت دانش‌آموختگان را در دانشگاه مؤثر می‌دانند. وابستگی عاطفی به نظر آنها محصول تجربه دوره کارشناسی است و با تجربه دانش‌آموختگی تقویت می‌شود. علاوه بر این، برآورده شدن نیازها و انتظارات دانش‌آموختگان موجب رضایتمندی آنها از کیفیت زندگی دانشجویی می‌شود. این نتیجه به‌دست آمده با نتایج تحقیق افرادی چون حمل (Hummel, 2010) منطبق است. کیفیت زندگی دانشجویی از عوامل مؤثر در برقراری ارتباط دانش‌آموخته با دانشگاه است.

سؤال ۵. دانشگاه شما در برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان و استفاده از مشارکت آنها با چه ضعفها و محدودیتهایی روبه‌روست؟

مهم‌ترین محدودیتهای مبتلابه دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان به ترتیب اهمیت مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱. وجود ضعف و محدودیت در شرایط زمینه‌ای دانشگاه

وجود محدودیت و ضعف در بسترها و زمینه‌های لازم برای برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان (۵۵/۹۴ درصد) به ترتیب اهمیت در هفت سطح زیر گزارش شده است:

۱.۱. ضعف کارکردی: ضعف در کارکردهای دانشگاه (۳۱/۳۱ درصد) به ترتیب اهمیت در دو سطح گزارش شده است: ۱. توجه دانشگاه به عرضه دانش‌آموخته (گسترش کمی دانش‌آموختگان) بدون توجه به کارایی بیرونی آنها (۱۹/۰۶ درصد)، تمرکز دانشگاه بر ارائه صرف خروجی و رواج مدرک‌گرایی بدون توجه به سرنوشت حرفه‌ای دانش‌آموختگان و پیگیری وضعیت آنها در بعد کارایی بیرونی نشان‌دهنده توجه بیش از حد دانشگاه به کارکرد آموزشی و غفلت از کارکردهای دیگر است. گسترش کمی مشکلات عدیده‌ای را در نحوه و نوع برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان به‌وجود می‌آورد، چرا که امکان برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان را با توجه به کمیت آنها و بدون داشتن زمینه‌های لازم ناممکن می‌سازد.

۲. بی‌توجهی به ایجاد زمینه‌های اشتغال و کارآفرینی دانش‌آموختگان (۱۱/۲۵ درصد) که مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین ضعف دانشگاه را در بی‌توجهی به کارکرد کارآفرینی، حمایت نکردن از تجاری‌سازی ایده‌های اشتغالزایی دانش‌آموختگان، تلاش نکردن دانشگاه برای ایجاد زمینه‌های شغلی و بیکاری دانش‌آموخته‌ها، کمبود امکانات و منابع مالی در بعد پژوهشی و نبود امکان استفاده از دانش‌آموختگان در فعالیتهای پژوهشی دانشگاه [به‌ویژه در اجرای پروژه‌های پژوهشی] را از ضعفها و محدودیتهای دانشگاه در تداوم ارتباط با دانش‌آموختگان قلمداد کرده‌اند.



۱. ۲. ضعف فکری و نگرشی در خصوص چرایی و چیستی موضوع (۲۲/۸۱ درصد): یکی از ضعف‌های دانشگاه اسلامی این است که درک صحیحی از چیستی و چرایی ارتباط با دانش‌آموختگان و استفاده از مشارکت آنها در آنجا وجود ندارد. عواملی چون نداشتن نگرش و آگاهی درست از فواید و محاسن موضوع در میان عوامل دانشگاه، نبود اطلاع رسانی، نبود فرهنگ مربوط به آن و وجود نداشتن تفکر ارتباط با دانش‌آموختگان در فلسفه وجودی دانشگاه به ترتیب از مهم‌ترین آنهاست.

۱. ۳. ضعف زمینه‌های سخت افزاری مورد نیاز (۱۸/۷۵ درصد): تأکید دانش‌آموختگان بر عواملی مثل هزینه بر بودن و نبود بودجه، مشخص نبودن بانی و مسئول کار، تعریف نشدن موضوع در نظام مدیریتی دانشگاه و نبود سازکار منظم اجرایی برای آن، نبود امکانات مانند فضای کافی، کمبود زیرساخت‌هایی مثل فناوری اطلاعات و ضعف اتوماسیون اداری و غیره نشان دهنده نبود زمینه‌های لازم در دانشگاه‌هاست. نتایج به‌دست آمده در خصوص فراهم نبودن زمینه‌های فکری و سخت افزاری با نتایج تحقیق شافرد (Shuford, 2007) مطابقت دارد و مقوله‌های یادشده از نیازهای ضروری دانشگاه‌ها در تدارک برنامه‌های موفق ارتباط با دانش‌آموختگان به‌شمار می‌آید. همان‌طور که اشاره شد، اغلب دانشگاه‌ها با کمبود زیرساخت‌های فناوری برای گسترش ارتباط در فضای مجازی روبه‌رو هستند. استفاده از مزیت‌های شبکه اجتماعی مثل فیس‌بوک به گسترش و تعمیق ارتباط متقابل دانشگاه و دانش‌آموختگان و مشارکت داوطلبانه آنها در دانشگاه منجر می‌شود. نتیجه به‌دست آمده با نتایج پژوهش فارو و کونای‌یان (Farrow & Connie Yuan, 2011) مغایرت دارد.

۱. ۴. ضعف ساختاری (۱۷/۸۱ درصد): به‌زعم دانش‌آموختگان وجود ضعف‌های ساختاری مثل حاکمیت نظام معلم محوری در دانشگاه‌ها که به تبع آن وظیفه استادان به انتقال علم و وظیفه دانشجویان به درس خواندن خلاصه می‌شود، ضعف معاونت دانشجویی، وجود تفکر مادی میان مدیران دانشگاه که به دانشجو به دید منبع پولی نگاه می‌کنند، نبود ارتباط دانشگاه (به‌ویژه استادان) با صنعت، بازار کار و جامعه به‌منظور معرفی دانش‌آموختگان به صنعت برای بهره‌گیری از دانش آنها، بی‌توجهی به رسالت پاسخگویی در قبال جامعه، نبود گرایش به تمرکز زدایی و خصوصی سازی امور و وجود تفکر مصرف‌گرایی، کوچک بودن و توسعه نیافته بودن دانشگاه‌ها از جمله ضعف‌های ساختاری است که اجازه تحقق کامل برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان را فراهم نمی‌کند.

۱. ۵. نبود برنامه مدون و عملی (۴/۶۸ درصد): به‌زعم مصاحبه‌شوندگان در خصوص برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان و استفاده از مشارکت آنها برنامه مدونی به چشم نمی‌خورد یا اگر هست، ضمانت اجرایی و دید آینده‌نگری ندارد و بلندمدت نیست.

۱. ۶. ضعف مدیریتی (۳/۷۵ درصد): کوتاه مدت بودن دوره ریاست رؤیسان دانشگاه‌ها موجب شده است که آنها از امنیت شغلی لازم برای طراحی و اجرای برنامه‌های ارتباط با دانش‌آموختگان برخوردار نباشند. به علاوه، انتخاب رؤیسان دانشگاه بدون توجه به تخصص، تجربه و سابقه مدیریتی (شایسته‌سالاری)

آنها صورت می‌گیرد و در رئیس‌ان دانشگاهها تفکر آینده‌نگری و نگاه بلندمدت در خصوص این موضوع وجود ندارد.

۱.۷. ضعف در هدفگذاری و سیاستگذاری دقیق و مشخص (۱/۸۷ درصد).

۲. ضعفهای مرتبط با عاملان انسانی و کنشگران دانشگاه (۴۰/۰۳ درصد).

در خصوص برقراری ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان و استفاده از مشارکت آنها در دانشگاه نقش عاملیت انسانی و کنشگران دانشگاه در سطوح مختلف را نباید نادیده گرفت. چرا که آنها می‌توانند با اقدامات و فعالیتهای خود اجرای این فرایند را تسهیل کنند یا مانع آن شوند. این مقوله به ترتیب در سه سطح زیر مورد مطالعه قرار گرفته است:

۱.۲. ضعفهای مرتبط با مداخلات عاملان انسانی و کنشگران در سطح دانشگاه که به دو صورت است: اول، عدم شکل‌گیری ارتباط دانشگاه و دانش‌آموختگان در زمان دانشجویی که اغلب مصاحبه‌شوندگان (۳۰/۵۶ درصد) مشکلاتی چون بی‌توجهی کنشگران دانشگاه (مدیران مناطق دانشگاهی، رئیس‌ان و مدیران واحدها و مراکز و کارکنان) به دانشجو و نیازهای تربیتی او و عدم تدارک تجربه مثبت دانشجویی، وجود تعریف و تصور غلط از مفهوم و جایگاه دانشجو، اعمال سیاستهای غلط در بعضی از رشته‌های تحصیلی و برآورده نشدن انتظارات دانش‌آموخته در دوران دانشجویی، هدفمند نبودن و بی‌برنامگی انجمنهای علمی و فراهم نشدن زمینه مشارکت دانشجویان به دلیل بالا بودن حجم فعالیتهای آموزشی را از جمله دلایلی می‌دانند که موجب عدم شکل‌گیری ارتباط در دوران دانشجویی می‌شود و به نظر آنها همین عوامل بر کاهش ارتباط، تعهد، مشارکت و عضویت دانش‌آموختگان در کانونها نیز مؤثر بوده است. نتیجه به‌دست آمده با نتایج پژوهش نیومن و پتروسکو (Newman & Petrosko, 2011)، حمل (Hummel, 2010) و شافرد (Shuford, 2007) مغایرت دارد. دوم، نبود انگیزه و رغبت کنشگران دانشگاه به حفظ ارتباط و مشارکت دانش‌آموختگان (۲۴/۸۹ درصد) که مقوله‌هایی مثل دعوت نکردن از دانش‌آموخته‌ها برای مشارکت، عدم استفاده از تواناییهای آنها، اهمیت ندادن به مشارکتهای دانش‌آموختگان و عدم تشویق آنها به این امر از جمله نشانگرهای نبود انگیزه و تمایل کنشگران دانشگاه (مدیران مناطق دانشگاهی، رئیس‌ان و مدیران واحدها و مراکز و کارکنان) به این امر است. یافته‌های به‌دست آمده با نتایج پژوهش شافرد (Shuford, 2007) مغایرت دارد. استفاده از دانش‌آموختگان در سازماندهی برنامه‌ها موجب افزایش بازگشت آنها به دانشگاه می‌شود.

۲.۲. ضعفهای مداخلات در سطح ذینفعان (دانش‌آموختگان): تمایل نداشتن برای برقراری ارتباط و مشارکت در دانشگاه مهم‌ترین مشکل دانش‌آموختگان (۲۶/۲۰ درصد) است. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عواملی چون وجود مشغله‌های کاری و خانوادگی، دور بودن محل سکونت از محل تحصیل، نداشتن وقت کافی، علاقه نداشتن، نبود مزیت و منفعت [به‌ویژه مالی] برای مشارکت دانش‌آموختگان، عدم ارائه امکانات رفاهی (مثل خوابگاه و ..)، نبود امکان تردد دانش‌آموختگان در محیط دانشگاه و ایجاد وقفه طولانی بین مقاطع تحصیلی در بی‌انگیزه بودن دانش‌آموختگان نقش داشته است. نتایج به‌دست آمده از

تحقیق در خصوص ضعف دانشگاهها در ارائه مزایا و خدمات به دانش‌آموختگان با نتیجه پژوهشهای حمل (Hummel, 2010) و شافرد (Shuford, 2007) مطابقت دارد. ارائه مزایا و خدمات مختلف به دانش‌آموختگان و ایجاد رضایتمندی از برقراری ارتباط و مشارکت بر رفتار آینده آنها در تداوم ارتباط و تعهد دانش‌آموختگان به آن تأثیر می‌گذارد.

۳.۲. ضعف مداخلات در سطح استادان و اعضای هیئت‌علمی: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در سطح اعضای هیئت علمی مهم‌ترین ضعف عدم برقراری ارتباط خوب بین استاد و دانشجو در دوران دانشجویی و پس از آن (۱۸/۳۴ درصد) است. نقش استاد و کیفیت خلق روابط استاد و دانشجو در دوران دانشجویی به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در ایجاد و تداوم ارتباط دانش‌آموخته با دانشگاه و مشارکت در آن قلمداد شده است. تبعیض قابل شدن و پارتی بازی، رعایت نشدن کامل اخلاق علمی - پژوهشی در برقراری ارتباط و استفاده از مشارکت دانشجویان، وجود رقابت ناسالم استادان با دانشجویان خود از جمله مشکلات ارتباطی استاد و دانشجو است. آشنایی کم استادان با شیوه درست برقراری ارتباط با دانشجو و مهم‌تر از آن، مایل نبودن آنها به حفظ این ارتباط به دلیل بالا بودن حجم کاری و کم بودن ساعات حضورشان در دانشگاه نکات قابل تأملی است.

۳. وجود ضعفهایی در شرایط محیطی دانشگاه

ضعفهایی که در محیط دانشگاه (۱/۹۲ درصد) به‌عنوان یک سیستم وجود دارد، از دیگر مقوله‌هایی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن پرداختند. برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان و استفاده از مشارکت آنها در امور دانشگاه نه در خلأ، بلکه در شرایط خاص محیطی شکل می‌گیرد و در نتیجه، توضیح و درک این فرایند به فهم شرایط محیطی دانشگاه نیاز دارد. مسائلی مثل رشد و توسعه ناموزون کشور در بعد تکنولوژیکی و عدم ارتقای فرهنگ متناسب با آن، منطبق نبودن نظامهای آموزشی وارداتی با فرهنگ و تاریخ بومی کشور، فکر نکردن به مصالح کشور در تصمیم‌گیریهای مدیران، تغییر اوضاع و احوال سیاسی جامعه و کم‌رنگ شدن فعالیتهای اجتماعی و مدنی در دانشگاهها به ترتیب عوامل بازدارنده برقراری ارتباط است.

## پیشنهادها

دانش‌آموختگان از مهم‌ترین برون‌دادهای نظام آموزش عالی به‌شمار می‌آیند که سرمایه‌های گزافی برای تربیت و آماده‌سازی آنها صرف می‌شود. به علاوه، دانش‌آموختگان از سرمایه‌های فکری، اجتماعی و انسانی جامعه به‌شمار می‌آیند. دستیابی به منابعی که در شبکه‌های ارتباطی دانشگاه و دانش‌آموختگان و گروههای مختلف دانش‌آموختگان وجود دارد، مزایای بی‌شماری برای دانشگاه و دانش‌آموختگان دارد و دانشگاهها باید با تدارک برنامه‌های ارتباط با دانش‌آموختگان و با بهره‌گیری از روشهای ارتباطی مناسب در خصوص دستیابی به این منبع حمایتی بیشتر تلاش بکنند تا از ظرفیت مشارکت دانش‌آموختگان در

اداره امور مختلف دانشگاه استفاده شود. دانشگاه آزاد اسلامی، به‌عنوان یک دانشگاه خصوصی و برخوردار از نیمی از جمعیت دانشجویی کشور، به‌شدت نیازمند استفاده از تواناییهای دانش‌آموختگان خود در اداره امور خود است. علی‌رغم برخورداری اغلب واحدها و مراکز دانشگاهی مناطق ۱۶ گانه دانشگاه آزاد اسلامی از کانون دانش‌آموختگان و بودن ۲۷ هزار نفر عضو رسمی در آنها، نتایج تحقیق گویای آن است که این دانشگاه نتوانسته است در خصوص برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان خود به‌طور مؤثر و منسجم عمل کند. در واقع، وضعیت موجود ارتباط با دانش‌آموختگان در دانشگاه آزاد اسلامی نشان‌دهنده نوعی آشفتگی و بلا تکلیفی و نبود التزام، تعهد و هدفمندی در این زمینه است، وضعیتی شبیه بودن یا نبودن. نتایج تحقیق مبین آن است که دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان با مشکلات و ضعفهای مختلفی در زمینه‌های مورد نیاز، کنشگران و عاملان انسانی دخیل و شرایط محیطی دانشگاه مواجه است. از سوی دیگر، جمعیت زیاد دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی از استعداد و توانمندیهای بالایی برخوردار است که علاوه بر تعهد و تعلق خاطر به دانشگاه، مشتاق مشارکت داوطلبانه در آن و خدمت به جامعه هستند. دانشگاه آزاد اسلامی باید با شناخت دقیق وضعیت موجود در خصوص موضوع، به طرح‌ریزی برنامه‌های مناسب ارتباط با دانش‌آموختگان در ابعاد آموزشی، پژوهشی، فرهنگی - اجتماعی و شغلی با بهره‌گیری از راهبردهای ارتباطی مؤثر اقدام و با ترویج وفاداری و تعهد به دانشگاه در میان آنها، از این توانایی سرشار در خصوص تحقق اهداف دانشگاهها و شکوفایی کشور استفاده کند. دانشگاه آزاد اسلامی باید موانع پیش روی فعالیتهای و برنامه‌های کانونهای دانش‌آموختگان را بردارد و با حمایت و همکاری لازم زمینه را برای فعالیت آنها مهیا کند. دانشگاه آزاد اسلامی باید با اطلاع‌رسانی کافی، تفکر و نگرش مجموعه دانشگاهی را در باره اهمیت و ضرورت موضوع تغییر دهد و امکانات سخت افزاری لازم را به‌ویژه در زمینه فناوری برای فعالیتهای ارتباطی با دانش‌آموختگان تدارک ببیند. دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند سیاستها و اهداف مشخصی برای ارتباط با دانش‌آموختگان وضع کند و با تدوین برنامه مناسب و قابل اجرا، بهره‌گیری از مدیران لایق و با تجربه، حتی‌الامکان از خود دانش‌آموختگان زمینه اجرای اهداف و برنامه‌ها را فراهم سازد. حرکت دانشگاه آزاد به سمت تحقق کارکردهای کارآفرینی و پژوهشی زمینه استفاده از مشارکت دانش‌آموختگان در امور مختلف دانشگاه را فراهم می‌سازد. دانشگاه آزاد اسلامی باید با شناسایی و تحقق نیازها و انتظارات دانشجویان، به افزایش کیفیت زندگی دانشجویی کمک کند. قطعاً نقش استادان در شکل‌گیری تجربه مثبت دانشجویی و بذریهای ارتباط در دوران دانشجویی بسیار مهم است. از سوی دیگر، دانشگاه باید با ارائه خدمات و مزایای مناسب به دانش‌آموختگان و تدارک مشوقهای لازم، انگیزه و رغبت لازم را در آنها برای تداوم ارتباط با دانشگاه و مشارکت در امور آن ایجاد و از مزایای چنین ارتباطی در خصوص افزایش اعتبار دانشگاه، برنامه‌ریزی دقیق، تسهیم دانش، درآمدزایی و ایجاد اشتغال، افزایش مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری، به‌روزرسانی دانش دانش‌آموختگان و پاسخگویی در قبال دانش‌آموختگان و غیره استفاده کند.

## References

1. Akhtarpour, M. (1995). The survey of employment status of agricultural and librarianship master graduates from 1989 to 1993. (Master thesis). Tehran's Medical Sciences University: LIS (in Persian).
2. Alumni Association of Islamic Azad University Graduates (2015). About the association: Introducing the association. Retrieved from <http://www.iaiu.ir/aboutus/Pages/intro.aspx> (in Persian).
3. Amirkhani, T. (2010). Social capital: Concepts and applications, institute for humanities and cultural studies. *Humman Resources Publications*, (5), 33-37 (in Persian).
4. Arasteh, H.R. (2006). Higher education international collaboration in Iran and how to improve it. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 12(1), 99-115 (in Persian).
5. Arnold, G. L. (2003). Friend raisers and fund raisers: Alumni relations and development in large, public universities, A Dissertation of The University of Michigan. Retrieved from <http://www.ProQuest.Com>.
6. Bakhshi, H., Esmaeil Zadeh, M., Taleghani, F., Rafei, Gh.R. & Mahdizadeh, K. (2002). The status of the employment of graduates of Rafsanjan University of Medical Sciences. *Journal of Medical Sciences of Qazvin*, 22, 16 -23 (in Persian).
7. Bowen, T. J. (2008). *Importance, effectiveness, and impact of communications with generational segments of alumni*. Southwest Minnesota State University Education Department. Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
8. Christopherson, A. P. (2010). *Alumni association membership levels at public universities: A comparative analysis of the effects of alumni association and institutional characteristics*. University of South Carolina. Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
9. Cubarrubia, A. P. (2009). *Exploring the influence of external standards of institutional effectiveness program assessment in student affairs*. George Washington University. Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
10. Currier, B. (2006). Foundation support and alumni affairs. Unpublished Raw Data.

11. Duronio, M., & Loessin, B. (1990). Fundraising outcomes and institutional characteristics in ten types of higher education institutions. *Review of Higher Education*, 13, 539-556.
12. Farrow, H., & Connie Yuan, Y. (2011). Building stronger ties with alumni through facebook to increase volunteerism and charitable giving. *Journal of Computer- Mediated Communication*, International Communication Association. pp. 445- 464. Retrieved from <http://www.Wiley.Com>.
13. Gall, M. D., Borg, W. R., & Gall, P. J. (2001). *Educational research: An introduction*, (Vol. 1). Translated to Persian by Nasr et al., Tehran: Samt (in Persian).
14. Gill, J.I. (1998). Alumni programs: Principles and practice. In Tromble, W. W. (ED.) *Excellence in advancement: Applications for higher education and non profit organizations*. Gaithersburg, MD: Aspen publishers INC.
15. Herbin, P., Dittman, T., Herbert, J., & Ebben, K. (2006). *New century series resource paper 13: Status of alumni development in Americas Community Colleges*. Council for Resource Development.
16. Hummel, R. (2001). *Factors influencing alumni connection and commitment*. Faculty of Arts & Science University of Lethbridge, Alberta, Canada. Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
17. Hurwitz, J. L. (2005). An exploratory study of effectiveness in alumni relations at four research universities, Graduate College University of Nevada, Las Vegas. Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
18. Kerns, J. R., & Witter, R. (1997). *Alumni programs at two – year colleges: 1997 report of a national survey*. Washington, DC: The Junior and Community College Institute.
19. Kheirkhah, H. (2011). Survey of the relationship between social capital and intellectual capital of the organization (a case study of the provincial education departments of Kordestan). (Master thesis). Sanandaj Islamic Azad University, Faculty of Humanities: Department of Management, (in Persian).
20. Leana, C. R., & Van Buren, H. J. (1999). Organizational social capital and employment practices. *Academy of Management Review*, 24(3), 538-555.

21. Leslie, L., & Ramey, G. (1988). Donor behavior and voluntary support for higher education institutions. *Journal of Higher Education*, 59(2), 115-132.
22. Lin, N. (1999a). *Building a network theory of social capital in Nan Lin, Katern cook and Ronals*. Burt, Social Capital Theory and Research, New York: Aldinde Gruyter.
23. Lin, N. (1999b). Social networks and status attainment. *Annual Review of Sociology*, 25, 467-487.
24. Mahdavi, M.S., & Rahmani Khalili, E. (2008). Survey of the effect of religiosity on social participation in Tehran citizens. *Journal of Social Sciences*, II (4), 5-29 (in Persian).
25. Marshall, C. B. (2009). *Exploring the functions of alumni associations at selected urban universities*. Graduate School of the University of Cincinnati. Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
26. McAdoo, A. D. (2010). Factors affecting the institutional perceptions of alumni of the University of Arkansas. A dissertation of University of Arkansas. Retrieved from <http://www.ProQuest.Com>.
27. Merkel, R. E. (2010). Managing the relationship between the students and university, a case study in the context of development and alumni relations. Faculty of the Graduate School of the University of Maryland, Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
28. Ministry of Science, Research and Technology (2013). Higher Education Statistics at a Glance (2013-2014 academic years). Institute for Research and Planning in Higher Education: Department of Statistical Research and Technology. Retrieved from <http://www.Ihea.ir>.
29. Modarres University (2003). Conference of unemployment and employment of university graduates (in Persian).
30. Mohammadzadeh Nasrabadi, M., Pezeshkirad, Gh. R., & Chizari, M. (2006). An examination of employment status, employment ability, and job success among vocational and technical education graduates in agriculture sector. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 12(1), 79-97 (in Persian).
31. Mora, J. G., & Vidal, J. (2005). The emerging uses of alumni research in Spain. *New Directions for Institutional Research Series*, 126, 83-72, Retrieved from <http://www.Wiley.Com>.

32. Mousavi, M. (2006). Social participation is one of the components of social capital. *Quarterly Journal of Social Welfare*, 23, 67-92 (in Persian).
33. Muller, H. S. (2004). *The contribution of organizational identification and induced reciprocity to institutional support and philanthropy by expatriate alumni of an American University Abroad: An exploratory theoretical model*. New York University. Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
34. Navabakhsh, M., Attar, S., & Abolhasani, R. (2012). Network policy approach, generalized notion of social capital in the areas of government analysis. *The Journal of Studies of Social Development of Iran*, IV (II), 7-21 (in Persian).
35. Newman, M. D., & Petrosko, J. M. (2011). Predictors of alumni association membership. Retrieved from <http://www.Springer.Com>.
36. Pearson, J. (1999). *Comprehensive research on alumni relationships: Four years of market research at Stanford University*. New directions for institutional research. No. 101. Jossey – Bass Publishers. Retrieved from <http://www.Wiley.Com>.
37. PourKazemi, M.H. (2009). A survey of employment of state universities graduates in humanities. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 15 (2), 127-150 (in Persian).
38. Putnam, R. D., Leonardi, R., & Nanetti, R. Y. (1993). *Making democracy work civic traditions in modern Italy*. Princeton University Press, Princeton, New Jersey.
39. Rezai Sepasi, R., & Safdari, Z. (2011). Professional status and scientific activities of Midwifery graduates of Qazvin University of Medical Sciences. *Journal of Qazvin University of medical Sciences*, XV (1), 71-77 (in Persian).
40. Shuford, M. J. (2007). Factors affecting the success of North Carolina community college alumni programs, a dissertation of the faculty of the graduates school of Carolina University. Retrieved from <http://www.Proquest.Com>.
41. Sirkin, A., & McDermont, M. (1995). *Keeping members CEO strategies for 21 century success. The myths and realities*. Washington: Foundation of the American Society of Association Executives.



42. Taylor, A., & Martin, J. (1995). Characteristics of alumni donors and non-donors at a resource I Public University. *Research in Higher Education*, 36(3), 283-302.
43. Taylor, B. E., & Massy, W. F. (1996). *Strategic indicators for higher education*. Princeton, NJ: Petersons.
44. Tromble, W. W. (ED.) (1998). *Excellence in advancement: Applications for higher education and non profit organizations*. Gaithersburg, MD: Aspen Publishers INC.
45. Van Houtten, D. (1989). Alumni relations at two – year colleges. In Webb, C. H. (ED.). *Handbook for alumni administration* (pp. 242-259). Washington DC: American Council on Education.
46. Webb, C. H. (1998). *Handbook for alumni administration*. New York, NY: Macmillan Publishing Company.
47. Worth, M. J. (ED.) (2003). *New strategies for education fundraising*. West port, ET: American Council on Education and Praeger Publishers.
48. Zhang, M. (2010). Social Network Analysis: History, Concepts, and research. PP. 3-21. In Borko Furht (ED.), *Handbook of Social Network Technologies and Applications*. New York: Springer.